

نبرد کیهانی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: حزقیال باب ۲۸ آیات ۱ و ۲ و ۱۱ تا ۱۷؛ پیدایش باب ۳ آیات ۱ تا ۷؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۱ تا ۱۷؛ رومیان باب ۸ آیات ۳۱ تا ۳۹؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۲.

آیه حفظی: «از این رو اژدها نسبت به آن زن خشمگین شد و رفت تا با بقیه فرزندان او که فرمانهای خدا را نگاه می‌دارند و به عیسی شهادت می‌دهند بجنگد و اژدها در کنار دریا به انتظار ایستاد» (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷).

نبرد کیهانی که گاهی «جدال عظیم» نامیده می‌شود، جهان بینی کتاب مقدسی بشمار می‌رود. پیش زمینه‌ای را تشکیل می‌دهد که وقایع غیر منتظره جهان ما و حتی کائنات را می‌گشاید. گناه، رنج، مرگ، ظهور و سقوط ملت‌ها، گسترش انجیل، وقایع روزهای پایانی — همه این‌ها در بطن نبرد کیهانی رخ می‌دهند.

در این هفته به برخی از مکان‌های مهم که در آن نبرد بزرگ اتفاق افتاد نگاهی خواهیم انداخت که به نحوی مرموز در قلب یک موجود کامل یعنی لوسیفر شکل گرفت که شورش و سرکشی خود را از طریق سقوط دیگر موجودات کامل، یعنی آدم و حوا به زمین آورد. نبرد بزرگ، از این دو «نقاط عطف»، یعنی سقوط لوسیفر یا همان شیطان و سپس نخستین والدین ما، ریشه دواند و از آن زمان شدت یافت. هر کدام از ما بخشی از این نمایش غم‌انگیز کیهانی هستیم.

خبر خوب این است که نه تنها روزی این نبرد به پایان خواهد رسید، بلکه با پیروزی کامل مسیح بر شیطان خاتمه خواهد یافت. و حتی خبر بهتر این است که بدلیل کامل بودن آنچه عیسی بر روی صلیب انجام داد، همه ما می‌توانیم در آن پیروزی سهیم شویم. و به عنوان بخشی از آن پیروزی، خدا الان ما را فرا می‌خواند تا ایمان خود را حفظ کرده و مطیع باشیم. همانطور که منتظر تمام وعده‌هایی هستیم که در عیسی به ما داده شده است و تحقق یافتن آن‌ها تضمین گردیده است.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۷ آوریل آماده شوید.

سقوط یک موجود کامل

اگر نبرد کیهانی، پیش زمینه جهان بینی کتاب مقدس را تشکیل دهد، به چندین سوال منتهی می شود. یک پرسش مهم این است که همه این ها چگونه آغاز شد؟ چون خدای محبت خالق جهان است، معقول بنظر می رسد که شرارت، خشونت و نزاع از ابتدای خلقت بوجود نیامدند. جدال و کشمکش باید جدا از خلقت اولیه بوجود آمده باشد و لزوماً، برآیند آن نبود. با این وجود، نبرد در اینجا وجود دارد، واقعی است و همه ما در آن درگیریم.

حزقیال باب ۲۸ آیات ۱، ۲ و ۱۱ تا ۱۷ و اشعیا باب ۱۴ آیات ۱۲ تا ۱۴ را بخوانید. این آیات چه چیزی در مورد سقوط لوسیفر و ظهور شرارت به ما می آموزند؟

لوسیفر یا شیطان یک موجود کامل بود که در آسمان زندگی می کرد. چگونه ممکن است گناه بویژه در محیطی مانند آن، در او بوجود آمده باشد؟ ما نمی دانیم. شاید این یکی از دلایلی باشد که کتاب مقدس درباره «رمز و راز شرارت» که در (دوم تسالونیکیان باب ۲ آیه ۷) به آن اشاره شده، سخن می گوید.

خارج از واقعیت اختیار تامی که خدا به همه موجودات هوشمند خود داده است، دلیلی برای سقوط لوسیفر وجود ندارد. همانگونه که الن جی. وایت عمیقاً اظهار داشت: «توضیح دادن منشاء گناه و همچنین آوردن دلیلی برای وجودش غیرممکن است ... گناه یک مزاحم است، زیرا که نمی توان برای حضورش دلیلی آورد. گناه مرموز و غیرقابل توصیف است؛ و برای توجیه آن نمی توان عذر و بهانه ای آورد. اگر می شد برای آن توجیهی یافت و یا علتی برای وجودش نشان داده شود، دیگر گناه نبود.» — *The Great Controversy*, pp. 492, 493

واژه گناه را با شرارت جایگزین کنید و هر دو در تبیین معانی همدریف هستند. توضیح دادن منشاء شرارت و همچنین آوردن دلیلی برای وجود آن غیرممکن است ... شرارت یک مزاحم است، زیرا که نمی توان برای حضورش دلیلی آورد. مرموز و غیرقابل توصیف است؛ و توجیه کردن گناه یعنی دفاع کردن از آن. اگر می شد برای آن توجیهی آورد و یا دلیلی برای وجودش نشان داده شود، دیگر شرارت نبود.

درباره تجربه خودتان با واقعیت اختیار اراده بیاندیشید. چرا ما باید با دعا و احتیاط در مورد انتخاب هایی که برای استفاده از اختیارات خود می کنیم، بیاندیشیم؟

بیش از دانش فکری

اگر چه علت بوجود آمدن گناه را نمی توانیم توضیح دهیم (از آنجائی که هیچ توجیهی برای آن وجود ندارد)، کلام آشکار می سازد که گناه در قلب لوسیفر در آسمان آغاز شد. علاوه بر این که از نوشته های الن جی. وایت بطور شگفت انگیزی بصیرت می یابیم، (بطور مثال در فصل «مبداء شرارت» از کتاب جدال عظیم)، کلام مقدس در مورد اینکه چگونه شرارت در آسمان آغاز شد، مطالب زیادی به ما می گوید. اگر چه کلام خدا درباره نحوه بروز آن بر روی زمین صریح تر می باشد.

پیدایش باب ۳ آیات ۱ تا ۷ را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی می افتد که مجرم بودن آدم و حوا را در آنچه اتفاق افتاد، نشان می دهد؟

آنچه در اینجا بسیار غم انگیز است، این که حوا از کلامی که خدا به ایشان گفته بود آگاهی داشت. او آنها را تکرار کرد: «خدا به ما گفته است که از میوه آن درخت نخورید و حتی آن را لمس نکنید مبادا بمیرید» (پیدایش باب ۳ آیه ۳). اگرچه تا آنجا که کتاب مقدس به ما می گوید، هیچ چیز درباره لمس درخت گفته نشده بود، او نسبت به این حقیقت که خوردن از آن میوه منجر به مرگ خواهد شد آگاه بود.

آنگاه شیطان آشکارا و بی شرمانه آن سخنان را انکار نمود. مار به زن گفت، شما قطعاً نخواهید مرد (پیدایش باب ۳ آیه ۳).

سخیف تر از این چه می توانست باشد؟ با وجود اینکه در ابتدا رویکرد شیطان نسبت به حوا مودبانه و حيله گرانه بود، به محض اینکه توجه او را جلب کرد و دید که او مقاومت نمی کند، با این کار او آشکارا فرمان خدا را به چالش کشید. و آنچه غم انگیز می باشد این است که حوا از موضع نادانی اقدام نکرد. او نمی توانست ادعا کند، «من نمی دانستم، من نمی دانستم.» او می دانست.

با این حال، با وجود این آگاهی، او کار اشتباه را انجام داد. اگر حتی در محیط بی عیب عدن، دانش به تنهایی برای جلوگیری از ارتکاب گناه حوا (و سپس آدم که او هم حقیقت را می دانست) کافی نبود، ما نباید خود را فریب دهیم که فکر کنیم دانش به تنهایی برای نجات ما هم اکنون کافی است. آری، ما باید بدانیم که کلام خدا به ما چه می گوید. اما جدا از آگاهی نسبت به آن نیز، به نوعی باید تسلیم و مطیع فرمان باشیم.

خدا یک چیز گفت و شیطان چیزی دیگر. آدم و حوا با وجود دانشی که

داشتند، تصمیم گرفتند به حرف شیطان گوش بدهند. به این بیاندیشید که در طول بیش از هزار سال، شرایط چقدر کم تغییر کرده است. ما چگونه می‌توانیم از انجام همان اشتباه اجتناب کنیم؟

۳ آوریل

سه شنبه

نبرد در آسمان و زمین

سقوط نخستین والدین ما، جهان را در گناه، شرارت و مرگ فرو برد. مردم ممکن است در مورد دلایل بدهی یا اینکه مقصر کیست، اختلاف نظر داشته باشند، اما چه کسی می‌تواند واقعیتِ پریشانی، خشونت، شورش و نزاع که همه ما را در اینجا دچار مصیبت کرده، انکار کند؟ ما در مورد یک جدال کیهانی، یک نزاع کیهانی صحبت می‌کنیم؛ و این تاوان و جریمه می‌باشد که بجا است. اما منشاء کیهانی این درگیری هر چه که باشد، در اینجا بر روی زمین نیز در جریان است. در واقع، تاریخ کتاب مقدسی آنقدر زیاد است که از زمان سقوط در باغ عدن تا رویدادهای پایانی که به آمدن دوباره عیسی منتهی می‌شود — در بسیاری جهات، شرح کتاب مقدس در باب جدال عظیم می‌باشد. ما در میانه این جدال زندگی می‌کنیم. کلام خدا بما توضیح می‌دهد که چه چیزی در حال رخ دادن است، چه چیزی در پشت آن قرار دارد و مهمتر از همه اینکه، نحوه پایان آن چگونه می‌باشد.

مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۱ تا ۱۷ را بخوانید. این باب چه تصویری از آسمان و زمین را نمایان می‌سازد؟

ما نبردی در آسمان و همچنین نبردهایی بر روی زمین می‌بینیم. نبرد اول میان اژدها (شیطان، مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۷ تا ۹) و میکائیل (معنای عبری: «چه کسی مانند خداست؟») می‌باشد. لوسیفر شورشی به عنوان شیطان (خصم) معروف می‌شود، کسی که صرفاً یک موجود خلق شده در نبرد با خالق ابدی، عیسی است (عبرانیان باب ۱ آیات ۱ و ۲؛ یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۴).

لوسیفر بر علیه خالق خود شورش می‌کرد. جدال عظیم در باره دوئل خدایان نیست؛ بلکه درباره مخلوقی است که بر علیه خالق خود شورش می‌کند و آن شورش را با حمله به خلقت نیز نشان می‌دهد.

شیطان که در نبردش در برابر مسیح در آسمان شکست خورده بود، درست پس از تولد بشری او، در تعقیب وی بود (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۴). شیطان که در نبردش با مسیح در اینجا، و سپس در بیابان و پس از آن بر روی صلیب — پس از شکست غیرقابل بازگشتش

در جلجتا — نبرد با قوم مسیح را آغاز نمود. این جنگ در طول تاریخ مسیحیت شدت یافته است (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۶ و ۱۴ تا ۱۶) و تا پایان زمان (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷)، تا وقتی که شیطان این بار در هنگام آمدن دوباره مسیح، با شکستی دیگر روبرو می شود، ادامه خواهد یافت.

مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۱۰ تا ۱۲ را بخوانید. ما در این آیات در میان همه نبردها و درگیری هایی که در آیات دیگر دیده می شوند، چه امیدی بدست می آوریم؟

۴ آوریل

چهارشنبه

با تو همیشه، حتی تا پایان

کتاب مکاشفه یوحنا، جفاهایی را پیشگویی کرد که قوم خدا قرار بود در بخش زیادی از تاریخ کلیسا با آن روبرو شوند. ۱۲۶۰ روز پیشگویی شده در مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۶ (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۴ را نیز ببینید) به ۱۲۶۰ سال تحت جفا بودن کلیسا اشاره دارند. «این جفاها که در حکومت نرون در زمان شهادت پولس آغاز شدند، برای قرن ها کمابیش با خشونت سبانه ای ادامه یافتند. مسیحیان به دروغ به وحشتناک ترین جنایات متهم می شدند و به عنوان مسبب مصیبت های بزرگ از جمله قحطی، طاعون و زمین لرزه در نظر گرفته می شدند. همانطور که هدف انزجار عمومی و سوء ظن واقع می شدند، خرچین ها آماده بودند تا بخاطر منفعت خود، به افراد بی گناه خیانت کنند. آنها به عنوان شورشیان علیه امپراتوری، دشمنان دین و آفات جامعه محکوم می شدند. تعداد زیادی از آنها جلوی حیوانات وحشی پرتاب می شدند یا در تالارهای شهر، زنده سوزانده می شدند.» — الن جی. وایت، *The Great Controversy*, p. 88

در همان زمان، زن (کلیسا) به بیابان فرار کرد (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۶). او دو بار تشبیه شده است که دو بال مانند فرشته داشت. این تصویری را از فرار کردن به نمایش می گذارد به مکانی که کمک می توانست در آنجا یافت شود. در بیابان از او نگهداری شد و مار یا شیطان نتوانستند به او دسترسی یابند (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۴). خدا همیشه حتی در خلال جفاهای بزرگ، بازماندگانی را حفظ نموده است و در پایان زمان نیز چنین خواهد کرد.

در زمینه خطرات روزهای پایانی، مسیح به حواریونش فرمود: «من هر روزه تا انقضای عالم با شما هستم» (متی باب ۲۸ آیه ۲۰). ما این وعده فوق العاده را حتی در مواجهه با شهادت گسترده بسیاری از پیروانش، چگونه درک می کنیم؟ (رومیان باب ۸ آیات ۳۱ تا ۳۹ و متی باب ۱۰ آیه ۲۸ را نیز ببینید.)

هیچ چیز — نه جفا، نه قحطی و یا مرگ — نمی تواند ما را از محبت خدا جدا سازد. حضور مسیح با ما، چه اکنون و چه در پایان زمان، بدین معنی نیست که ما از درد، رنج، آزمایش ها و یا حتی مرگ در امان هستیم. هرگز چنین معافیتی به ما در این زندگی وعده داده نشده است. این بدین معناست که ما از طریق عیسی و کاری که برای ما انجام داده است، می توانیم با این امید و وعده که خدا در این مشکلات با ماست و اینکه ما وعده زندگی ابدی در آسمان ها و زمین جدید را داریم، زندگی کنیم. ما می توانیم با این امید که صرفنظر از همه آنچه در اینجا با آن مواجه می شویم، زندگی کنیم؛ مانند پولس، می توانیم مطمئن باشیم که «اکنون تاج پیروزی در انتظار من است، همان تاج نیکی مطلق که خداوند، یعنی آن داور عادل در روز بازپسین به من خواهد داد و آن را نه تنها به من، بلکه به همه آنانی که مشتاق ظهور او بوده اند، عنایت خواهد فرمود» (دوم تیموتائوس باب ۴ آیه ۸). ما نیز که «مشتاق ظهور او بوده ایم» می توانیم این وعده و امید را برای خود مطالبه کنیم.

۵ آوریل

پنجشنبه

احکام و انجیل

نام ما به عنوان ادونتیست های روز هفتم، بیش از آنچه که در باره آن بگوئیم در بر دارد. بخش روز هفتم نشان دهنده روز هفتم سبت است که به باور ما نه تنها در فرمان مربوطه، بلکه به طور ضمنی همه ده فرمان اشاره دارد. بخش ادونتیست به باور ما به ظهور دوباره عیسی اشاره دارد، حقیقتی که تنها می تواند بخاطر کاری که مسیح با مرگ کفاره ای خود در ظهور اول انجام داد، وجود داشته باشد. از این رو، نام ما ادونتیست روز هفتم به دو جزء بسیار مهم و جدایی ناپذیر حقیقت کنونی اشاره دارد: احکام و انجیل.

این آیات چگونه نشان می دهند که احکام و انجیل بطور نزدیکی به هم مرتبط هستند؟

ارمیا باب ۴۴ آیه ۲۳

رومیان باب ۳ آیات ۲۰ تا ۲۶

رومیان باب ۷ آیه ۷

انجیل، مژده یا خبر خوش است، مژده ای که با اینکه گناه کرده ایم و بواسطه آن احکام خدا را نقض کرده ایم، از طریق ایمان به آنچه مسیح بر روی صلیب انجام داد، گناهانمان برای تجاوز و سرپیچی از احکام او بخشیده می شود. همچنین، به ما قدرت اطاعت کامل از احکام داده شده است.

پس جای تعجب نیست که در زمینه روزهای پایانی، همچنان که نبرد بزرگ شدت می گیرد، قوم خدا به شیوه ای خاص به تصویر کشیده می شوند.

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۲ را بخوانید. این آیه چگونه ارتباط میان احکام و انجیل را نمایان می‌سازد؟

به عنوان ادونتیسست های روز هفتم، که به اطاعت از احکام باور داریم، چگونه می‌توانیم به دیگران نشان دهیم که اطاعت از احکام قانونگرایی نیست، بلکه نتیجه طبیعی محبت خدا و نجات یافتن توسط اوست؟ آیاتی چون تثیبه باب ۱۱ آیه ۱ و اول یوحنا باب ۵ آیه ۳ از این نکته پشتیبانی می‌کنند؟

۶ آوریل

جمعه

مطالعه بیشتر: مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۹ تا ۱۲ را بخوانید. و همچنین فصل «چرا به گناه اجازه ورود داده شد» صفحات ۳۳-۴۳، در کتاب مشایخ و انبیا از نوشته های الن جی وایت را مطالعه کنید.

«تا زمانی که تمامی موجودات، بیعت با محبت را اذعان می‌داشتند، هماهنگی کامل در سرتاسر جهان خدا حاصل می‌بود. شادی سپاه فرشتگان آسمانی این بود که هدف خالق خود را تحقق بخشند. آنها از بازتاب دادن جلال او و نشان دادن حمد خویش نسبت به او خوشحال می‌شدند. و در حالی که محبت برای خدا در جایگاهی برتر قرار داشت، محبت به یکدیگر آشکار و غیر خودخواهانه بود. هیچ پرده و نُت ناسازی وجود نداشت تا توازن و هماهنگی ارکستر سماوی را به هم بریزد. اما تغییری در این وضعیت با صفا و مسرور پدیدار گشت. در آنجا فردی بود که آن اختیار و آزادی را که خدا به مخلوقاتش عطا کرده بود، به انحراف کشانید. گناه از کسی شروع شد که در کنار مسیح، مکرم ترین فرد در نزد خدا شمرده می‌شد.» — الن جی. وایت، *Ellen G. White, Patriarchs and Prophets*, p. 35

به این عبارت «بیعت با محبت» الن جی. وایت توجه کنید. این عبارت قدرتمند و سرشار از معنی به این واقعیت اشاره دارد که محبت به وفاداری، سرسپردگی منجر می‌شود. همسری که شریک زندگی خود را دوست دارد، آن دوست داشتن را از طریق وفاداری نشان خواهد داد. در مورد موجودات در آسمان نیز چنین بود و ما نیز اکنون در رابطه خود با خدا باید همانگونه باشیم.

سوالاتی برای بحث

۱. چه شواهدی از کتاب مقدس داریم که نه تنها به واقعیت شیطان بلکه به نقش او در جدال عظیم اشاره می‌کنند؟ ما چگونه می‌توانیم به مردم کمک کنیم که واقعیت شیطان را به عنوان یک شخص و نه تنها یک نماد شرارت در قلب بشری درک کنند؟



مورمور شدن برای خدا

توسط اندرو مک چسنی، تبلیغ دینی ادونتیست

صفت کرامت که یک راننده کامیون است مور مور شدن را دوست دارد. او وقتی که به موعظه ای گوش می دهد دستانش مور مور می شود. این اتفاق در حین دعا و زمانی که درباره دلدادگی تازه اش به عیسی می گوید، رخ می دهد. کرامت در مصاحبه ای در دانشگاه کارائیب جنوبی، یک مؤسسه آموزشی وابسته به ادونتیست روز هفتم در جزیره ترینیداد و توباگو با نشان دادن پوست بازوی خود، گفت: «من واقعاً حضور خدا را در اینجا احساس می کنم.» مور بر روی پوست تیره اش راست شده بود.

او گفت، «وقتی از خدا صحبت می کنیم، این اتفاق همیشه برای من می افتد. من این را نشانه ای از اینکه تنها نیستم، می دانم.»

کرامت در بخش زیادی از عمر ۵۳ ساله خود احساس تنهایی کرده است. او تنها فرزند خانواده بود و مادرش وقتی او جوان بود، از دنیا رفت. او توسط پدری دائم الخمر در اجتماعی مسلمان در ترینیداد بزرگ شد.

کرامت گفت، «پدرم همیشه مست بود، پس من باید وقتی او به خانه می آمد از دستش فرار می کردم. تنها به خودم تکیه می کردم.»

کرامت به طور مرتب همراه با دیگر کودکان در مراسم مسجد محل شرکت می کرد. پس از ازدواج، او و همسرش به دین هندو گرویده و هشت بچه را بزرگ کردند که همه آنها در کلیسای کاتولیک رم مسیحی شدند.

اما کرامت همچنان احساس تنهایی می کرد. چنانچه به دنبال راه بهتری بود، ماری جوانا را ترک کرد. چند سال بعد سیگار را ترک نمود و زمانی پس از آن، خوردن مشروبات الکلی را کنار گذاشت.

این زمان بود که مور مور شدن ها شروع شد. کرامت پس اینکه از طریق کلاس کتاب مقدس کودکان که دانشگاه به کودکان محله ارائه می داد، به جلسات بشارتی دعوت شد، شرکت در آنها را شروع کرد. فرزندان کرامت در کلاس های هفتگی که توسط استادان دانشگاه تدریس می شد، شرکت می کردند.

کرامت گفت، «انجیل به روش بسیار واضحی اعلام می‌شد و پس از ۵۰ سال من خداوند را برای اولین بار ملاقات کردم.»

کرامت و سه فرزندش به سنین ۱۲، ۱۴ و ۱۶ تعمید داده شدند. از او در پاسخ به این پرسش که اگر مورمور شدن‌ها تمام شود، آیا احساس خواهد کرد که خدا او را ترک کرده است، توضیح داد: «نه! هرگز!» او گفت که در واقع مور مور شدن را نشانه‌ای از اینکه تنها نیست، می‌داند. او گفت، «خدا با من است.»

بخشی از هدایای سبت سیزدهم این فصل به کلیسای دانشگاه کارائیب جنوبی فرستاده خواهد شد تا این دانشگاه بتواند برنامه‌های بشارتی خود از جمله کلاس هفتگی کتاب مقدس کودکان که منجر به تعمید کرامت (در چپ) و فرزندانش شد را گسترش دهد.